

The role of Iraq in the Axis of Resistance; advantages and barriers

Reza Ansari Bardeh*

Vahid Hosseinzadeh**

Meqdad Nili***

Received: 2021/03/14


Accepted: 2021/06/13

The Axis of Resistance is a title that in recent years has been able to introduce itself as one of the main transnational actors influencing the political-security developments in the West Asia. As a member of this axis, Iraq has an important role. Various issues in Iraq's internal environment affect the country's role in the axis of resistance. The main question of this research can be stated as follows: What are the advantages and barriers of the Iraqi internal environment that affect the position of this country in the axis of resistance? In order to be on the axis of resistance, Iraq must reduce its internal problems. In this regard, authors have used the Regional Security Complex Theory as a theoretical framework focusing on patterns of friendship/enmity. Results show Iraq has problems as: unemployment, corruption, dependence on oil budgets and lack of infrastructure for development. Lack of attention to internal problems makes Iraq unable to resist US and Western pressures. So, Iraq can't act as a member of the axis of resistance to its takes. The closer the factors of Iraq's convergence with the axis of resistance, the less likely it is to join the American front, and the more the factors of Iraq's divergence from the axis of resistance, the more likely it is to separate from the axis of resistance.

Keywords: Axis of Resistance, Content analysis method, Iraq, I.R.Iran, Middle East, Patterns of enmity, Patterns of friendship, Regional Security Complex, West Asia.

* Master's student in Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author)

ansarireza313@gmail.com

 0009-0003-0271-7558

** Assistant Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, I.R.Iran

v.hosseinzadeh@modares.ac.ir

 0000-0002-4320-8122

*** PhD student at National Defense University, Tehran, I.R.Iran

nili1360@gmail.com

پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های داخلی حضور عراق در محور مقاومت

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳

مقاله برای بازنگری به مدت ۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

رضا انصاری بارده*

وحید حسین‌زاده**

مقداد نیلی***

چکیده

عراق به‌عنوان یکی از کشورهای عضو محور مقاومت نقش مهمی در پیشبرد اهداف آن دارد. مسائلی مختلفی در محیط داخلی عراق بر نقش‌آفرینی این کشور در محور مقاومت تأثیرگذار است که فهم آنها باعث درک بهتر جایگاه این کشور در منطقه امنیتی خاورمیانه خواهد شد. از سوی دیگر رقابت‌های پیچیده و گسترده‌ای توسط بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در محیط داخلی عراق وجود دارد که بر اهمیت این کشور به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید. سؤال اصلی این پژوهش را می‌توان بدین‌صورت بیان نمود: پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های محیط داخلی عراق که بر جایگاه این کشور در محور مقاومت تأثیرگذارند، کدامند؟ این پژوهش به دلیل ماهیت کاربردی آن فرضیه‌آزمای نیست. روش گردآوری داده‌ها، اسنادی و مصاحبه‌نخبگانی غیرساخت‌مند است. همچنین نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با تمرکز بر الگوهای دوستی/دشمنی به‌عنوان الگوی تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: الگوهای دوستی، الگوهای دشمنی، تکنیک مصاحبه، جمهوری اسلامی ایران، روش تحلیل محتوا، عراق، غرب آسیا، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، محور مقاومت.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

ansarireza313@gmail.com

0009-0003-0271-7558

** استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

v.hosseinzadeh@modares.ac.ir

0000-0002-4320-8122

*** دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

nili1360@gmail.com

مقدمه

بیان مسئله: محور مقاومت عنوانی است که در سال‌های اخیر توانسته است خود را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و اشغالگری رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) معرفی کند. عراق با توجه به نقش و جایگاه مهمی که در این محور دارد، طی دو دهه اخیر کانون تحولات فراوانی بوده است. دغدغه محققان در این پژوهش تحلیل جایگاه عراق در محور مقاومت از طریق شناسایی پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های تحولات آتی این کشور به‌عنوان عضوی از محور مقاومت است.

اهمیت: این موضوع از آن جهت که می‌تواند به شناخت و تقویت جایگاه عراق در تحولات آتی محور مقاومت کمک نماید، دارای اهمیت راهبردی است. همچنین شناخت روابط قدرت در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا و موقعیت عراق در این مجموعه دارای اهمیت کاربردی نیز می‌باشد.

ضرورت: عدم توجه به نقاط قوت و ضعف عراق ذیل محور مقاومت می‌تواند باعث جدایی عراق از محور مقاومت و یا به حداقل رسیدن اثرگذاری عراق شود. بر این اساس پرداختن به این موضوع دارای ضرورت راهبردی است.

اهداف: کمک به تقویت جایگاه محور مقاومت از طریق شناسایی پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های داخلی عراق، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. اهداف فرعی نیز عبارت‌اند از: ارائه تصویری واقع‌بینانه از موقعیت و توانمندی‌های عراق در محور مقاومت؛ شناخت آسیب‌پذیری‌های احتمالی محور مقاومت و بالاخره شناسایی منابع بالقوه موجود در عراق برای نقش‌آفرینی مؤثرتر در محور مقاومت.

سوال‌ها و فرضیه: تحقیق حاضر فرضیه آزما نیست. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های محیط داخلی عراق که بر جایگاه این کشور در محور مقاومت تأثیرگذارند، کدامند؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: سطوح تحلیل محور مقاومت، کدامند؟ عوامل اصلی در تحولات محور مقاومت کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین صورت گرفته پیرامون این موضوع را می‌توان در دو سطح طبقه‌بندی نمود:

۱-۱. پیشینه پژوهشی موضوع در نشریه دانش سیاسی

حاجی یوسفی (۱۳۸۷) به نگرانی کشورهای عرب منطقه غرب آسیا از همکاری میان ایران و عراق اشاره می‌کند. وی بیان می‌کند که آمریکا و متحدانش نگران تشکیل اتحاد میان ایران و دیگر کشورهای محور مقاومت از جمله عراق هستند و از آن با عنوان «هلال شیعی» یاد می‌کنند. ولایتی و سعیدمحمدی (۱۳۸۹) معتقدند که یکی از راه‌های کسب قدرت، افزایش همگرایی فراملی میان دولت‌ها است، اما کشورهای اسلامی نتوانسته‌اند این ظرفیت را برای خود فعال کنند. ایشان ادامه می‌دهند که کشورهای اسلامی نیازمند الگویی هستند که طبق آن الگو مؤلفه‌های همگرایی را در بین خود تقویت کنند و آن الگو باید از مبانی اسلامی مستخرج شود.

۲-۱. پیشینه پژوهشی در سایر منابع

منابع موجود در این زمینه را با توجه به موضوع آنها می‌توان در سه دسته تقسیم نمود:
الف. آثاری که به تبیین جایگاه ایران در محور مقاومت پرداخته‌اند: آدمی و کشاورز مقدم بیان می‌کنند که پس از انقلاب اسلامی، ائتلافی از کشورهای سنی حاشیه خلیج فارس علیه انقلاب اسلامی شکل گرفت، این صف‌آرایی حامیان تفکر انقلاب اسلامی و مقاومت را بر آن داشت تا در مقابل این ائتلاف به تقویت خود پردازند. این ایده در طی این سال‌ها رشد کرده و امروزه به محور مقاومت تبدیل شده است. آنها معتقدند پس از تحولات مربوط به بیداری اسلامی، تمرکز ایران به حمایت از شیعیان در یمن و بحرین و همچنین حضور فعال در عراق و سوریه معطوف شد (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴). قاسمی ژئوپلیتیک انقلاب اسلامی را از عوامل مهم و تأثیرگذار بر حرکت محور مقاومت می‌داند. وی ژئوپلیتیک محور مقاومت را رویکردی انتقادی می‌داند و بیان می‌کند که ژئوپلیتیک محور مقاومت را می‌توان ژئوپلیتیک انتقادی نامید؛ شاخصه مهم این رویکرد، گفتمانی بودن و استخدام عنصر مقاومت و مبارزه است (قاسمی، ۱۳۹۶).

ب. آثاری که به تبیین موضع اسرائیل در مقابل محور مقاومت پرداخته‌اند: زبردست بیان می‌کند که رژیم صهیونیستی در دو دهه اخیر همواره نگران تهدید از سمت محور مقاومت بوده است و پیروزی‌های محور مقاومت پس از سال ۲۰۰۰ باعث کاهش ظریب امنیتی این رژیم شده است. از نگاه زبردست: علی‌رغم کاهش تنش‌ها میان رژیم

صهیونیستی و همسایگان عرب این رژیم، پیروزی انقلاب اسلامی باعث ایجاد قطب‌بندی نوینی در مجموعه امنیتی غرب آسیا شده است که وی از آن با عنوان محور مقاومت یاد می‌کند (زبردست، ۱۳۹۷).

پ. منابعی که به تحلیل روابط هویتی در محور مقاومت پرداخته‌اند: کریمی با اشاره به مکاتب نظری همچون مکتب امنیتی کپنهاگ، عدالت‌محوری و ظلم‌ستیزی را از پایه‌های هویتی شکل‌گیری محور مقاومت برمی‌شمارد. وی معتقد است که: با پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله فلسطین و حمایت از آزادی و استقلال شهروندان آن به یکی از مهم‌ترین ارکان هویت‌بخش به انقلاب اسلامی تبدیل شد. این موضوع به تدریج با تأثیر بر مجموعه امنیتی غرب آسیا، باعث تشکیل زیرمجموعه امنیتی محور مقاومت شد. محور مقاومت متأثر از منابع هویت‌بخش جمهوری اسلامی ایران، به تقابل با استکبار جهانی و نماینده آن در غرب آسیا یعنی رژیم صهیونیستی پرداخت (کریمی، ۱۳۹۶).

با تأمل در منابع معرفی‌شده، مشخص می‌شود که عمده این منابع محور مقاومت را با تمرکز بر نقش بازیگرانی غیر از عراق به بحث گذارده‌اند و یا در صورت توجه به نقش عراق، از رویکرد داخلی بحث نکرده‌اند. در نتیجه پژوهش حاضر هم از حیث موضوعی و هم از حیث رویکردی، متمایز بوده و نوآوری دارد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

در این بخش، ابتدا به تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش می‌پردازیم.

۲-۱. مقاومت

مقاومت از نظر لغوی و در معنای شایع به معنی «ایستادگی» است. سایر معانی مقاومت عبارت‌اند از: استقامت، تحمل و دفاع. در معنای سلبی مقاومت به معنی ایستادگی در برابر چیزی یا کسی است. در معنای ایجابی مقاومت علاوه بر معنای سلبی به معنای توان و قدرت داشتن است (افتخاری، ۱۳۹۹، ص. ۷۲).

۲-۲. محور مقاومت

این مفهوم به ائتلاف منطقه‌ای غیررسمی میان برخی بازیگران فعال منطقه غرب آسیا مانند ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان اشاره دارد. هدف محور مقاومت مبارزه با

رژیم صهیونیستی، پایان دادن به تسلط غرب در منطقه غرب آسیا و دفاع از آزادی فلسطین است. ترکیب محور مقاومت اولین بار در واکنش به سخنان جورج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا و معاونش جان بولتون، به کار برده شد که در بهمن ۱۳۸۰ شمسی دولت‌های ایران، عراق، کره شمالی، لیبی، سوریه و کوبا را محور شرارت خواندند (کریمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۹).

۳-۲. پیش‌ران

در حوزه مطالعات راهبردی و آینده‌پژوهی، مفهوم پیش‌ران به نیروهای عمده‌ای اطلاق می‌گردد که شکل دهنده آینده روندها هستند. پیش‌ران‌ها با تسهیل و تسریع در روندها، تأثیرات پیش‌برنده‌ای بر مسئله مورد مطالعه دارند. مطالعه پیش‌ران‌ها، باعث فهم بهتر آینده‌های محتمل مسئله مورد بررسی می‌شود (Grant, 2018, p. 103).

۴-۲. پس‌ران

در ادبیات آینده‌پژوهی عموماً به موقعیت عدم حضور نیروی پیش‌ران، پس‌ران اطلاق می‌گردد. همچنین به موانع جدی که در مسیر روندها وجود دارد و می‌تواند آنها را با کندی مواجه کند یا حتی باعث توقف روندها گردد، پس‌ران گفته می‌شود (Grant, 2018, p. 109).

۵-۲. چارچوب نظری

منطقه غرب آسیا از دیرباز محل حضور و رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است. وجود منابع غنی طبیعی از جمله نفت، ساختارهای سیاسی رانتیر و عموماً غیرمردم‌سالار در میان دولت‌های این منطقه شرایطی را ایجاد کرده است که برخی پژوهشگران این منطقه را در قالب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱ مورد تحلیل قرار داده‌اند (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۴). به نظر می‌رسد همه عوامل بنیادین در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامل مرز، ساختار آنارشیک، قطبش و الگوهای دوستی و دشمنی و نیز عامل خارجی که با عنوان «پوشش» یا «نفوذ» خوانده می‌شود (Buzan & Weaver, 2009, p. 54) به صورت مشخص در مجموعه امنیتی غرب آسیا قابل مشاهده است.

از میان چهار متغیر مذکور، الگوهای دوستی / دشمنی به صورت چشمگیری بر روابط یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تأثیرگذار است. الگوهای دوستی / دشمنی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از نظریات واقع‌گرایانه متمایز کرده و به روایت‌های سازه‌انگاران از الگوهای روابط دولت‌ها، نزدیک می‌کند. نویسندگان معتقدند، می‌توان مبتنی بر الگوهای دوستی / دشمنی، نقش محور مقاومت در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا و جایگاه عراق در این محور را تبیین کرد. درباره اهمیت منطقه‌گرایی باید گفت که یکی از سناریوهای جایگزین نظم جهانی، منطقه‌گرایی نوین است. طبق آن دیدگاه جهان به چند مجموعه امنیتی تقسیم می‌شود که مناسبات و معادلات را حل و فصل می‌نمایند (افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۱)، بوزان این رویکرد را به خوبی تبیین کرده است.

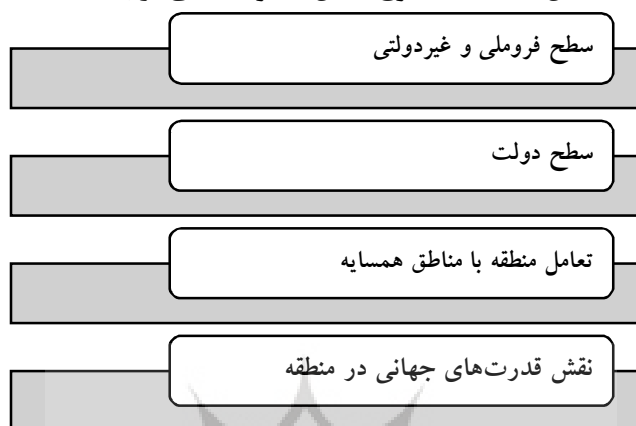
از دیدگاه بوزان، متغیر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی / دشمنی بین دولت‌ها است. «دوستی» از منظر وی مفهومی مشکک است و از بالاترین سطح اتحاد راهبردی شروع و تا انتظار حمایت گسترش پیدا می‌کند. از سوی دیگر دشمنی به روابطی اطلاق می‌شود که مبتنی بر سوءظن و هراس باشد. رابطه دشمنی نیز دارای طیف وسیعی است. اما روابط مبتنی بر بی‌تفاوتی یا بی‌طرفی در میانه دوستی / دشمنی طبقه‌بندی می‌شود. وارد نمودن متغیر دوستی / دشمنی در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای باعث شکل‌گیری وابستگی متقابل امنیتی میان بازیگران آن منطقه خواهد شد. دوستی‌ها یا دشمنی‌های تاریخی می‌تواند بر الگوهای دوستی / دشمنی آن منطقه مؤثر باشد (Buzan, 1999, p. 215). بوزان معتقد است که تأثیر الگوهای دوستی / دشمنی خودآگاهانه نیست و نیاز به موافقت یا مخالفت بازیگران مجموعه امنیتی در تأثیر این الگوها وجود ندارد (Hough, 2018, p. 93).

متغیرهای فراوانی در الگوهای دوستی / دشمنی مؤثر هستند که لزوماً عینی نیستند. همکاری‌ها و رقابت‌های تاریخی، شکل‌دهنده مجموعه‌ای از ترس‌ها و انگیزه‌هایی هستند که در ساختار یک مجموعه امنیتی نقش برجسته دارند. «عوامل متعددی مانند فرهنگ، تاریخ، مذهب و جغرافیا بر الگوهای دوستی / دشمنی تأثیرگذار هستند (Buzan & Weaver, 2009, p. 61). از این حیث می‌توان این عوامل را به دو بخش کلی عوامل مادی و معنوی تقسیم کرد. از جمله عوامل مادی می‌توان به منازعات تاریخی بر سر قلمرو، جنگ‌های خونین طولانی یا مراودات تجاری در طول تاریخ

اشاره کرد. عوامل معنوی مهم نیز شامل وجود حوزه تمدنی مشترک، فرهنگ یا عناصر فرهنگی مشترک یا متضاد، تاریخ مشترک، قومیت یا دین مشترک، وجود ایدئولوژی‌های متعارض می‌باشد (Hough, 2018, p. 97).

مبثنی بر مباحث گفته‌شده می‌توان برای کشورهای ایران، افغانستان، عراق، سوریه و لبنان الگوهای دوستی متصور شد که در جای‌گیری این کشورها در قالب یک محور با اهداف مشترک که بر روابط چندسویه قدرت در مجموعه امنیتی غرب آسیا تأثیرگذار است، قابل تبیین است. این الگوهای دوستی که برگرفته از تاریخ، فرهنگ، مذهب و تمدن مشترک است نوعی پیوستگی و وابستگی متقابل بین این کشورها ایجاد کرده است. لازم به ذکر است که سطح تحلیل در نظریه امنیت منطقه‌ای بوزان، دولت است (بوزان، ۱۳۹۰، ص. ۳۴). این در حالی است که در غرب آسیا دولت‌ها تنها بازیگران اصلی عرصه امنیتی نیستند، بلکه گروه‌های مردمی و مقاومت که نقش مؤثری در امنیت دارند نیز باید در تحلیل مورد توجه قرار گیرند، لذا این نظریه برای تبیین مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا و تحولات مرتبط با آن، نیازمند تغییراتی است. از جمله مهم‌ترین تغییراتی که در مدل امنیت منطقه‌ای سازگار با غرب آسیا مناسب است ایجاد شود، اضافه کردن سطح بازیگران «فروملی» و «غیردولتی» است. حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در عراق و یمن و حتی گروه‌هایی همچون داعش و القاعده، هیچ‌یک در سطح تحلیل دولت قرار نمی‌گیرند، درحالی‌که تأثیرات بنیادینی بر این مجموعه امنیتی داشته و دارند. لذا در این پژوهش به نقش بازیگران «فروملی» و «غیردولتی» نیز توجه شده است.

شکل شماره (۱): سطوح تحلیل مجموعه امنیتی غرب آسیا



(طراحی توسط نویسندگان)

۲-۶. الگوی تحلیل

در میان کشورهای محور مقاومت، عراق نقش ویژه‌ای دارد و به همین خاطر این کشور طی دو دهه اخیر کانون تحولات فراوانی بوده است. حمله آمریکا به این کشور، سقوط صدام، عدم ثبات داخلی، حملات نیروهای اسلامگرای افراطی، ظهور داعش، دخالت‌های دول خارجی در مسائل این کشور، وجود اکثریت شیعه، حضور اقلیت‌های غیرشیعه که به ایران گرایش دارند، از جمله مهم‌ترین مسائلی است که عراق را از یک همسایه و هم‌مرز به یک کشور بسیار پراهمیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بدل کرده است. در همین راستا می‌توان به ظرفیت ژئوپلیتیک عراق اشاره داشت که مبنای اصلی در شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌ها می‌باشد.

ژئوپلیتیک عمق راهبردی عراق برای نقش‌آفرینی در محور مقاومت است. برخی صاحب‌نظران معتقدند شکل جغرافیایی سرزمین باید در ارزیابی قدرت ملی آن مورد توجه قرار گیرد (قوام، ۱۳۹۴، ص. ۶۷). ژئوپلیتیک عراق ظرفیت کم‌نظیری در اختیار محور مقاومت قرار می‌دهد که هر چه این ظرفیت فعال‌تر شود بر قدرت و توانمندی محور مقاومت افزوده خواهد شد. اگر لبنان و سوریه را حلقه اول تقابل با اسرائیل بدانیم، عراق آخرین حلقه عربی در تقابل با رژیم صهیونیستی است؛ به این معنا که اگر ظرفیت

ژئوپلیتیکی عراق فعال شود، می‌تواند در فعال شدن جبهه تقابل با اسرائیل اثرگذاری بالایی داشته باشد. کشور عراق در طی سال‌های گذشته به دلیل نزدیکی جغرافیایی و قرابت مذهبی و فرهنگی، پلی برای صدور انقلاب اسلامی به دیگر دیار اسلامی بوده است (خرمشاد و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۳۳۴). از اصلی‌ترین شاخصه‌های ژئوپلیتیک عراق می‌توان به جمعیت و جغرافیا اشاره کرد. ضمناً اگر عراق از نظر ژئوپلیتیک به جمهوری اسلامی متصل شود یک پیوستگی راهبردی بین محور مقاومت ایجاد می‌شود. اتصال عراق به جمهوری اسلامی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی محور مقاومت را از خراسان تا مدیترانه فعال می‌کند. این اتصال همچنین می‌تواند باعث افزایش ظرفیت‌های اقتصادی و ترانزیتی بین کشورهای محور مقاومت شود و بهره‌وری حداکثری از ظرفیت‌های جغرافیایی را به دنبال دارد. ویژگی ژئوپلیتیک عراق مهم‌ترین بستر برای همراهی این کشور در محور مقاومت است. سایر متغیرهای اقتصادی، امنیتی، و فرهنگی عراق در بستر ژئوپلیتیک این کشور فعال می‌شوند. بر این اساس پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های داخلی این کشور را می‌توان در حوزه‌های زیر (شکل شماره ۲) جستجو کرد:

شکل شماره (۲): زمینه‌های اصلی تأثیرگذار بر حضور عراق در محور مقاومت



(طراحی توسط نویسندگان)

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و مصاحبه‌نخبگانی غیرساخت‌مند؛ و برای تحلیل آنها از روش تحلیل محتوا بهره برده شده است.

الف. معرفی روش: در روش مصاحبه غیرساخت‌مند اطلاعات هر نخبه متفاوت از نخبه دیگر است لذا امکان مصاحبه ساخت‌مند وجود ندارد. مهم‌ترین جنبه مصاحبه غیرساخت‌مند یا آزاد رویکرد مثبتی است که نسبت به درک مصاحبه‌شونده از پدیده‌های سیاسی اطرافش وجود دارد (منوچهری و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۳). نویسندگان مصاحبه با نخبگان را تا دست یافتن به اشباع داده‌ای ادامه داده و سپس با استفاده از الگوی تحلیل، داده‌های به دست آمده را به کار گرفتند.

ب. اشباع داده‌ای: اشباع داده‌ای زمانی حاصل شد که ادامه مصاحبه‌ها، اطلاعات و داده‌های جدید یا متمایزی برای نگارندگان دربرداشت.

پ. مصاحبه: محورهای مصاحبه با توجه به الگوی تحلیل پژوهش که استفاده از الگوهای دوستی / دشمنی در تحلیل وضعیت عراق است، تنظیم و سعی شده تا این الگو با داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها مرتبط شود. مصاحبه‌شوندگان از میان نخبگان ایرانی انتخاب شده‌اند. علت انتخاب نخبگان ایرانی تمرکز در نگاه نخبگان ایرانی به موضوع پژوهش است. استفاده از نخبگان عراقی می‌توانست ما را به داده‌های متفاوتی برساند که خود موضوع پژوهشی دیگر است. اسامی مصاحبه‌شوندگان و تخصص آنها به شرح زیر است:

جدول شماره (۱): اسامی و تخصص مصاحبه‌شوندگان

نام مصاحبه‌شونده	تخصص
مهدی جاودانی مقدم	استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)
محمدحسن خانی	دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)
مصطفی دولتیار	دکترای علوم سیاسی و دیپلمات ارشد وزارت امور خارجه
سعدالله زارعی	دکترای علوم سیاسی و تحلیلگر مسائل غرب آسیا
سیدمحمد ساداتی نژاد	دکترای روابط بین‌الملل و دیپلمات ارشد وزارت امور خارجه

نام مصاحبه‌شونده	تخصص
ابوالفضل عمویی	دکترای علوم سیاسی و نماینده مجلس شورای اسلامی
محمدصادق کوشکی	دانشیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
ابوذر گوهری مقدم	دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

ت. نسبت محوره‌های مصاحبه با مبانی نظری: الگوهای دوستی / دشمنی لزوماً عینی نیستند و متغیرهای فراوانی در آنها تأثیرگذار است. برخی رقابت‌های تاریخی یا قرابت‌های فرهنگی و تاریخی در شکل‌گیری این الگوها تأثیرگذار است. نمود عینی الگوهای دوستی و دشمنی می‌تواند در حوزه‌های مختلف متجلی شود. نگارندگان حوزه‌های راهبردی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی را به‌عنوان نموده‌های عینی الگوهای دوستی / دشمنی احصاء کرده‌اند.

ث. کدگذاری: نحوه کدگذاری مقولات مربوط به پیش‌ران‌ها و پسران‌ها که از مصاحبه‌ها استخراج شده است به شرح زیر است. کدگذاری طبق جدول شماره ۲ انجام شده است و در جدول‌های شماره ۳، ۴، ۵، ۶؛ ۸ کدگذاری روی کلیدواژه‌های مستخرج از مصاحبه پیاده‌سازی شده است.

جدول شماره (۲): نحوه کدگذاری مقولات

مقولات حضور عراق در محور مقاومت	کد مقوله	کد پیش‌ران	کد پسران
راهبردی	A	AP1	AP2
فرهنگی	B	BP1	BP2
سیاسی	C	CP1	CP2
امنیتی	D	DP1	DP2
اقتصادی	E	EP1	EP2

۴. پیش‌ران‌ها / پسران‌ها

با عنایت به ظرفیت‌های عراق و در قالب نظریه ارکان نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌توان پیش‌ران‌ها / پسران‌های زیر را برای این کشور از رهگذر تحلیل نظر نخبگان، شناسایی کرد:

۴-۱. پیش‌ران / پس‌ران‌های راهبردی

یکی از پیش‌ران‌های همراهی عراق با محور مقاومت، ظرفیت‌های راهبردی این کشور است که مؤلفه‌های مختلفی را به شرح زیر شامل می‌شود.

جدول شماره (۳): مقوله‌های راهبردی حضور عراق در محور مقاومت

مقوله	مفهوم	کلیدواژه
- جامعه اسلامی و شیعی عراق ظرفیتی راهبردی در اختیار محور مقاومت قرار می‌دهد.	- محور آمریکایی به دنبال ترویج اسلام فردی در عراق است.	- آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال قطع ارتباط عراق با سایر اعضای محور مقاومت هستند (عمومی، ۱۳۹۹). AP2
- جامعه عراق با محور مقاومت همراه‌تر از محور آمریکایی است.	- افزایش تنش میان عراق با سایر اعضای محور مقاومت است.	- برای تقویت جریان اسلامی در عراق، اسلام سیاسی در این کشور باید تقویت شود (زارعی، ۱۳۹۹). API
- هویت شیعی و اسلامی ملت عراق، مؤلفه‌ای راهبردی در همراهی این کشور با محور مقاومت است.	- تقویت مرجعیت شیعی در عراق، تقویت محور مقاومت است.	- مرجعیت در عراق پشتیبان قوی و محکمی برای مقابله با نفوذ محور آمریکایی در عراق است (کوشکی، ۱۳۹۹). API
	- ظرفیت‌های حوزه نجف در حمایت از مقاومت می‌تواند بروز بیشتری داشته باشد.	- آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال منفعل ساختن حوزه نجف و ایجاد اختلاف مذهبی حتی در بین شیعیان هستند (جاودانی مقدم، ۱۳۹۹). AP2
	- مردم عراق به مقاومت باور دارند.	- تشیع شهید سلیمانی و ابومهدی مهندس در عراق بیانگر حمایت جامعه عراق از اندیشه مقاومت است (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۹). API

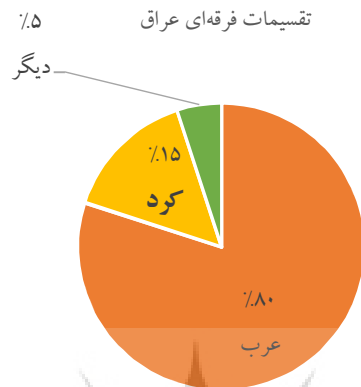
(استخراج شده از مصاحبه‌ها)

چنان‌که ملاحظه می‌شود از دیدگاه نخبگان، دو ظرفیت اصلی برای عراق قابل توجه

است:

الف. ظرفیت جمعیتی: عراق کشوری با نزدیک به ۴۰ میلیون نفر جمعیت است یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه خلیج فارس محسوب می‌شود. طبق آمارها بیش از ۹۵ درصد مردم عراق مسلمان هستند، مسلمانان عراق را (۶۴ درصد - ۶۹ درصد) شیعیان و (۲۹ درصد - ۳۴ درصد) اهل سنت تشکیل می‌دهند. از آنجاکه مسئله فلسطین یک مسئله اسلامی است غالب مردم مسلمان عراق با اشغالگری اسرائیل مخالفند. این حمایت حداکثری ابتکار عمل بالایی در اختیار محور مقاومت قرار می‌دهد تا با استفاده از این ظرفیت، نقش‌آفرینی مهمی در مقاومت علیه اشغالگری صهیونیست‌ها ایفا کند. همچنین بیش از ۷۰ درصد مردم عراق را اعراب تشکیل می‌دهند و این موضوع همگرایی بالایی را بین مردم عراق با قومیت عربی فلسطینی‌ها ایجاد می‌کند. لازم به ذکر است که اکثریت مردم عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که با توجه به ارتباط محور مقاومت با ایران، این مسئله مهمی است. زیرا شیعه عقبه راهبردی‌اش را در جمهوری اسلامی می‌داند. این همگرایی شیعی جزء پیشیرانه‌های اصلی علیه رژیم صهیونیستی است و یکی از هدف‌گذاری‌های آمریکا و اسرائیل قطع ارتباط این ظرفیت شیعی با جمهوری اسلامی است (عمویی، ۱۳۹۹). ما اتصال عراق به جمهوری اسلامی را از پیش‌رانه‌های راهبردی در تثبیت جایگاه عراق ذیل محور مقاومت می‌دانیم، زیرا وقتی عراق در مسئله مقاومت و نپذیرفتن اشغالگری با جمهوری اسلامی هم‌راستا می‌شود، پیوند راهبردی محور مقاومت که قبلاً بین ایران، سوریه و لبنان وجود داشت، در روی زمین تکمیل می‌شود. این پیوستگی رژیم صهیونیستی را در محاصره راهبردی قرار می‌دهد.

نمودار شماره (۱): تقسیمات فرقه‌ای عراق



(منبع: یافته‌های تحقیق حاضر)

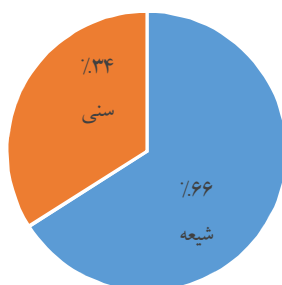
ب. هویت شیعی: تقویت همگرایی و اتصال جامعه شیعه در ایران و عراق نقش مهمی در تقویت محور مقاومت دارد. از عناصر مؤثر در اتصال جامعه شیعه دو کشور تقویت شیعه سیاسی و شیعه ناب، در مقابل شیعه منفعل و سرکوب شده است. در مدل عراق، تقویت هویت و مؤلفه‌های شیعی می‌تواند با ارتقای انگیزه جامعه عراق، آگاهی آن جامعه نسبت به مسائل سیاسی روز را به «عزم» برای اقدام تبدیل نماید (افتخاری، ۱۳۹۹، ص. ۲۲۵). اصلی‌ترین مسیر برای تقویت شیعه سیاسی در عراق گفتگو با عراقی‌ها است، زیرا دستیابی به این هدف از مسیرهای تحت‌الحمایگی نتیجه‌بخش نخواهد بود (زارعی، ۱۳۹۹). این مهم از دو طریق قابل دستیابی است:

اول. حوزه علمیه نجف: حوزه علمیه نجف به‌عنوان مهم‌ترین کانون اندیشه شیعی در عراق می‌تواند عامل اتصال جریان و هویت شیعی بین ایران و عراق باشد. حضور علمای ایرانی در حوزه علمیه نجف و تبادلات فکری پیرامون مسائل جاری شیعیان و استفاده از فقه برای حل مسائل اجتماعی مورد نیاز شیعیان، می‌تواند به پویایی تفکر شیعه ناب در مقابل شیعه وابسته به غرب مؤثر باشد. شیعه سیاسی هویت خود را صرفاً در ظواهر شریعت نمی‌بیند بلکه معتقد است اگر بخواهیم اسلام را تقویت کنیم باید به تقویت مفاهیم بنیادی و اجتماعی شیعه از جمله ظلم‌ستیزی و تقویت مسلمین در برابر دیگران اهتمام ورزیم. در این رویکرد حوزه علمیه هم به معنای

زعامت علمی و شرعی شیعه است و هم دارای رویکرد سیاسی برای اصلاح امور شیعیان و مسلمین است. موضع آیت‌الله سیستانی درباره مقاومت و اشغالگری اسرائیل یکی از نمودهای مهم این امر است. زیرا هم شخص آیت‌الله سیستانی از این فکر برآمده‌اند و هم ایشان مقوم و مروج این تفکر هستند (نک. کوشکی، ۱۳۹۹). البته باید به این نکته نیز توجه داشت که حوزه علمیه نجف و ظرفیت آن، می‌تواند مقوم محور مقاومت و یا مانع آن باشد. تلاشی هم که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها انجام می‌دهند این است که توجه حوزه علمیه نجف را از مسائل علمی و مبتلابه منحرف کرده و آن را درگیر مسائل نظری صرف کنند (جاودانی‌مقدم، ۱۳۹۹، صص. ۵۸-۷۹).

دوم. جامعه شیعه: همگرایی مذهبی شیعه در ایران و عراق و همچنین توجه به مسئله زیارت بخشی از عقبه راهبردی شیعه در عراق است. جامعه شیعیان در عراق نیازمند تقویت مبانی و اعتماد به نفس است و این امر در پرتو همگرایی شیعه در دو کشور صورت می‌پذیرد. جابجایی سالانه بیش از ده میلیون زائر از ایران به عراق و بالعکس باعث شده است تا شیعیان در نزدیک کردن دغدغه‌های تمدنی خود از این بستر استفاده کنند. راهپیمایی عظیم اربعین قطعاً نماد این همگرایی کم‌نظیر است. عدم تعاملات فرهنگی بین شیعیان ممکن است بستر را برای نفوذ و رخنه غرب و ایجاد شکاف بین آنها ایجاد کند. لذا اهتمام جدی به ارتباطات بین جامعه شیعه ایران و عراق بسیار مهم است. شهادت سردار سلیمانی و تشییع جنازه باشکوه ایشان در شهرهای عراق و تشییع جنازه باشکوه ابومهدی المهندس در ایران بیانگر این ظرفیت عظیم مردمی برای همگرایی است (نک. ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۹).

نمودار شماره (۲): تقسیمات مذهبی عراق



(منبع: یافته‌های تحقیق حاضر)

۲-۴. پیش‌ران / پس‌ران‌های فرهنگی

تحلیل نظرات نخبگانی حکایت از آن دارد که مقوله فرهنگ نقش اساسی در فعال شدن ظرفیت‌های کشور عراق در حوزه مقاومت دارد (نک. جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴): مقوله‌های فرهنگی حضور عراق در محور مقاومت

مقوله	مفهوم	کلیدواژه
- اشتراک فرهنگی عامل پیش‌ران در حضور عراق در محور مقاومت است.	- مؤلفه‌های فرهنگی بین عراق و محور مقاومت بیشتر از عراق و محور آمریکایی است.	- اتصال فرهنگی عراق به ایران عامل ایجاد همگرایی است. BP1
	- اسلام و تشیع از قوی‌ترین عوامل همگرایی فرهنگی هستند.	- اندیشه تشیع یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد وحدت بین عراق و محور مقاومت است (کوشکی، ۱۳۹۹). BP1

ملت عراق در مباحث فرهنگی همواره یک ملت پیشرو بوده است. حوزه هزارساله نجف و جامعه بغداد میراث دروان شکوفایی فرهنگی عراق هستند. در زمان‌های نه‌چندان دور نجف مرکز علمی جهان تشیع بوده است. بیشتر علمای مستقر در نجف را دانشمندان غیرعراقی تشکیل می‌دادند و این به معنای مرکزیتی بود که عراق داشت و باعث شده بود تا دانشمندان از سراسر جهان اسلام به عراق مهاجرت کنند. نکته قابل

توجه این است که وقتی عنصر فرهنگ در یک ملت قوی باشد، دغدغه‌های روشنفکری از جمله مبارزه با اشغالگر و اشغالگری در آن ملت قوی می‌شود. می‌توان گفت یکی از سطوح ایجاد قدرت نرم، قدرت نرمی است که از درون شبکه ولایی پدید می‌آید (افتخاری و جانی‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۲۷) و این موضوع در نسبت با عراق صادق است. البته عراق نزدیک به نیم‌قرن زیر سلطه دیکتاتورها اداره می‌شد و این مسئله در روحیه ملت عراق تأثیرگذار بوده است، به همین خاطر صدام پس از انقلاب اسلامی به دنبال حذف اندیشمندان دینی در عراق بود و می‌خواست با حمله نظامی به ایران، همگرایی شیعی را تبدیل به واگرایی قومی، ناسیونالیستی کند. در شرایط فعلی آنچه می‌تواند ظرفیت فرهنگی عراق را بیدار کند و توجه آن را به مسائل روز جهان اسلام سوق دهد، اتصال عراق به جمهوری اسلامی ایران است (نک. کوشکی، ۱۳۹۹). ارتباط عمیق شیعیان عراقی و ایرانی در زمینه «زیارت» از جمله مهم‌ترین محورهای همگرایی فرهنگی بین دو ملت است. درهم‌تنیدگی بر محور اهل بیت (علیهم‌السلام)، مخصوصاً امام حسین (علیه‌السلام) که مشخصه بارز ایشان مقابله با ظلم و ظالم بوده است، می‌تواند بیانگر یک اراده جهانی درباره پاک کردن اشغالگری از منطقه غرب آسیا باشد. در واقع همگرایی ذیل پرچم ظلم‌ستیزی امام حسین (علیه‌السلام) دو کشور را در جایی به یکدیگر پیوند می‌دهد که حداکثر الهام‌بخشی است، یعنی باطل هر چقدر هم پُرزور باشد، قابل پذیرش نیست (نک. کوشکی، ۱۳۹۹). اگر پیش‌رانه فرهنگی در عراق فعال شود، هویت عمیق ملی در این کشور پا می‌گیرد و روحیه ضدیت با صهیونیست را تقویت می‌کند. اصلی‌ترین پیش‌ران‌های فرهنگی عراق عبارت‌اند از:

یک. پیوستگی اسلامی (بین شیعه و سنی)؛ بر محور اتحاد مشترک اسلامی؛

دو. پیوستگی درون شیعی؛ بر محوریت مرجعیت؛

سه. پیوستگی عربی؛ بر محوریت ملت عراق.

۴-۳. پیش‌ران / پس‌ران‌های سیاسی

عراق پس از جنگ جهانی اول و تجزیه عثمانی حاکمیت مستقلی به‌دست آورد. سیرگذرای حاکمیت در عراق از استقلال تا پایان دیکتاتوری صدام را می‌توان به دوره‌های زیر تقسیم کرد:

دوره اول. جدایی از امپراطوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول؛
 دوره دوم. ناسیونالیسم عربی به رهبری هاشمی؛
 دوره سوم. کودتای ژوئیه بر ضد پادشاهی هاشمی (۱۹۵۸)؛
 دوره چهارم. حاکمیت حزب بعث (۱۹۶۶)؛
 دوره پنجم. به قدرت رسیدن صدام (۱۹۷۹ الی ۲۰۰۳).

حاکمیت عراق پس از صدام به‌دست جریان‌های اسلامگرا و مذهبی افتاد. در عراق نیز مانند دیگر کشورهای دارای نظام مردم‌سالاری، استحقاق مردم‌سالاری سهم از قدرت را مشخص می‌کند. اکثریت مردم عراق شیعه هستند و در نتیجه عنصر اصلی در قدرت، یعنی نخست‌وزیری در دست شیعیان است. نخست‌وزیری در عراق رئیس دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح است. یعنی قدرت نظامی عراق به‌طور رسمی در دست شیعیان است و این جدای از توان نیروهای بسیج مردمی است. در نظام سیاسی عراق، احزاب سیاسی نقش اصلی را در سیاست‌گذاری‌های حکومتی ایفا می‌کنند. اغلب احزاب سیاسی از گروه‌های ریشه‌دار شیعی تشکیل شده‌اند. برخی از آنها همچون حزب‌الدعوه، مجلس اعلی و سپاه بدر حتی در دوران صدام نیز فعالیت داشته‌اند. در دوره دیکتاتوری صدام این احزاب به‌خاطر علقه شیعی، با جمهوری اسلامی ارتباط عمیقی داشته‌اند. با سقوط صدام زمینه برای فعالیت این احزاب فراهم شد و به‌طور طبیعی خواهان همکاری و همفکری با جمهوری اسلامی شدند. به‌طوری‌که نهادی همچون مجلس اعلی توسط شهید حکیم در جمهوری اسلامی متولد شد. این ارتباط بین گروه‌های سیاسی شیعی و جمهوری اسلامی ناشی از اهمیت انسجام شیعیان ذیل محور مقاومت است (نک. دولتیار، ۱۳۹۹). در عراق ژئوپلیتیک خودش را بر معادلات سیاسی تحمیل می‌کند. در نتیجه احزاب سیاسی همواره خواهان همکاری با جمهوری اسلامی هستند. همگرایی بین ایران و سیاسیون عراقی باعث شده است تا عدم پذیرش اسرائیل به بخشی از راهبردهای سیاسیون و مقامات عراقی تبدیل شود. اکثریت جمعیت عراق شیعه هستند. هر قدر انسجام قدرت در داخل جریان‌های شیعه افزایش پیدا کند، خودبه‌خود گرایش‌های ضدصهیونیستی در آنها تقویت می‌شود و هر قدر جریان‌های شیعی متفرق‌تر باشد رویکردهای اسلامی در آنها ضعیف‌تر می‌شود. لذا تمرکز بر محوریت اسلام‌گرایی، نقش مهمی در همراهی عراق با محور مقاومت خواهد داشت

(خانی، ۱۳۹۹). این برداشت مبتنی بر دیدگاه نخبگان است که از همگرایی سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد مؤلفه سیاسی یاد کرده‌اند (نک. جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵): مقوله‌های سیاسی حضور عراق در محور مقاومت

مقوله	مفهوم	کلیدواژه
پیش‌ران	- احزاب سیاسی شیعی، آرمان‌هایی نزدیک به محور مقاومت دارند.	- گروه‌های مقاومت عراقی با دیگر اعضای محور مقاومت از جمله ایران، انسجام و همفکری دارند (دولتیار، CPI، ۱۳۹۹). - اسلام‌گرایی وجه مشترک برای ایجاد همگرایی بین عراق و دیگر اعضای محور مقاومت است (خانی، ۱۳۹۹). CPI

(استخراج شده از مصاحبه‌ها)

۴-۴. پیش‌ران / پس‌ران‌های امنیتی

تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور عراق (پیش‌ران) و مانع شدن از نفوذ هر چه بیشتر آمریکا در این کشور (پس‌ران)، مهم‌ترین مواردی هستند که نخبگان بر آن تأکید داشته‌اند (نک. جدول شماره ۶).

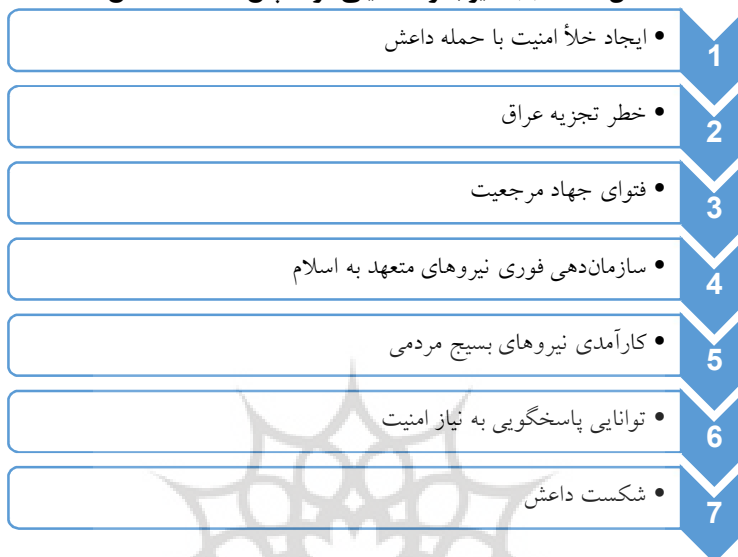
جدول شماره (۶): مقوله‌های امنیتی حضور عراق در محور مقاومت

مقوله	مفهوم	کلیدواژه
پس‌ران	- امنیت مسئله‌ای کلیدی در عراق است.	- امنیت در عراق ظرفیتی دوگانه است که هر یک از محورها (مقاومت یا آمریکایی) که بتوانند آن را به‌کار گیرند، در سایر حوزه‌ها در عراق نیز نفوذ پیدا می‌کنند (عموی، ۱۳۹۹). DPI-DP2

(استخراج شده از مصاحبه‌ها)

انحلال ارتش و فقدان حکومت مرکزی عراق را در وضعیت بی‌قانونی و هرج و مرج قرار داد. یکی از اولین اثرات اشغال عراق، مشکلات اقتصادی مردم عراق بود. لذا عراق به یکباره تبدیل به بهشت تروریست‌ها شد و به‌خاطر مشکلات اقتصادی خلأ امنیتی وسیعی در عراق ایجاد شد. این خلأ امنیتی باعث شد نیازمندی عراق به کالای امنیت یک امر اولویت‌دار و مهم برای این کشور تبدیل شود. زیرا رشد در سایر حوزه‌ها نیازمند ثبات در حوزه امنیت بود. میانگین سن عراقی‌ها ۲۱ سال است. ۷۰ درصد کل عراقی‌ها زیر ۴۰ سال دارند و این یعنی اکثریت، معنای امنیت و ثبات واقعی را نمی‌دانند! در سال‌های پس از سقوط صدام دولت عراق توان تأمین امنیت را نداشت؛ در نتیجه گروه‌های بسیج مردمی شروع به تلاش برای تأمین امنیت و مبارزه با اشغالگری آمریکا کردند. این گروه‌های مردمی که عمدتاً از جریان‌های شیعی بودند برای پاسخ به نیازمندی امنیتی خود راه‌های گوناگونی پیش‌رو داشتند که یکی از اصلی‌ترین راه‌ها اتصال جمهوری اسلامی و عراق بود. در پی این همراهی گروه‌های بسیج مردمی عراق توانستند از تجربه جمهوری اسلامی استفاده کنند و ظرفیت‌های عملیاتی خود را افزایش دهند. لذا در سال ۲۰۱۴ که عراق با بحران داعش مواجه شد، نیروهای بسیج مردمی توانستند تا حد زیادی در مقابل هجوم داعش مقاومت کنند.

شکل شماره (۳): سیر بحران امنیتی عراق پس از حمله داعش



(طراحی توسط نویسندگان)

در دیدگاه‌های سنتی امنیت به معنای آزاد بودن از گزند است (گریفتس و اوکلاگان، ۱۳۸۸، ص. ۵۵۵). بر همین مبنا پس از سقوط صدام، نیاز به امنیت و آزاد بودن از آسیب‌های احتمالی، همواره یکی از نیازهای اساسی جامعه عراق بود و طبعاً هر گامی در جهت تأمین آن، مورد حمایت دولت عراق قرار می‌گرفت؛ لذا اگر ما امنیت را یک متغیر در نظر بگیریم، کسی که بتواند این متغیر را به نفع خود فعال کند، نقش مهمی در اثرگذاری بر جامعه عراق به دست می‌آورد. یعنی اگر جمهوری اسلامی از ظرفیت امنیت استفاده کند می‌تواند از عراق باثبات در جهت نقش‌آفرینی در محور مقاومت حمایت کند و اگر آمریکایی‌ها این ظرفیت را فعال کنند، عراق را به سمت اهداف خودشان هدایت می‌کنند (نک.عمویی، ۱۳۹۹).

۴-۵. پیش‌ران / پس‌ران‌های اقتصادی

اقتصاد عراق عمدتاً وابسته به تولید نفت است. طبق آمارها بیش از ۹۰ درصد درآمد دولت عراق از فروش نفت به دست می‌آید. وابستگی به فروش نفت وابستگی دیگری

را نیز برای عراق به دنبال داشته است که آن واریز پول نفت به فدرال رزرو آمریکا است (نک.زارعی، ۱۳۹۹). اقتصاد عراق در دوران صدام یک اقتصاد عقب‌مانده بود و پول نفت عمدتاً در مصارف جنگ‌طلبانه و نظامی حکومت صدام مصرف می‌شد. پس از صدام انتظار می‌رفت فروش نفت زنجیره‌های توسعه عراق را تکمیل کند اما این اتفاق به این صورت رخ نداد در نتیجه خام‌فروشی نفت از یک طرف و فساد گسترده اداری از طرف دیگر باعث شد تا عراق از نظر اقتصادی یک دولت بیمار باقی بماند. یکی از دلایل وابستگی اقتصادی عراق به آمریکا، واریز درآمدهای نفتی این کشور به حسابی در آمریکاست. در بیان دیگر می‌توان گفت که آمریکایی‌ها پس از اشغال عراق هیچ‌گاه به دنبال کمک به رشد و توسعه اقتصادی عراق نبودند. زیرا کمی بعد از اشغال، عراق دچار بحران امنیتی شده بود و شرکت‌های آمریکایی حاضر به سرمایه‌گذاری در محیطی ناامن نبودند. همچنین آمریکایی‌ها و دیگر متحدان عربی آنها در منطقه، نگران این موضوع بودند که قدرت گرفتن عراق به‌عنوان کشوری شیعی و نزدیک به ایران، توازن قدرت در منطقه را برهم بزند. لذا اجماعی نانوشته برای بیمار نگه داشتن اقتصاد عراق بین آنها شکل گرفت. بحران داعش در سال ۲۰۱۴ نیز به مشکلات اقتصادی عراق افزود. فقدان اقتصاد ملی، بودجه کارشناسی شده و یا دولت یکپارچه در عراق از سال ۱۹۹۲ و پس از جنگ اول خلیج فارس و اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور، اقتصاد عراق را در حالتی ضعیف نگه داشته است. نبرد داعش باعث شد تا هزینه‌های امنیتی دولت عراق به ۱۲/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی عراق برسد. این عدد در سایر کشورها بسیار پایین‌تر است.

جدول شماره (۲): درصد هزینه‌های نظامی کشورها بر اساس GDP

کشور	هزینه‌های نظامی (درصد از GDP)
آمریکا	۲/۳
نانو	۲
عربستان سعودی	۶/۱۰
رژیم صهیونیستی	۸/۵
بحرین	۹/۳
کویت	۶/۴

(Source: <https://www.csis.org/>)

در یک بیان علل عقب‌ماندگی اقتصاد عراق را می‌توان در موارد زیر بیان کرد: وابستگی اقتصاد به نفت؛ برتری فناوریانه آمریکا؛ وابستگی بانکی به فدرال رزور؛ و بالاخره انعطاف‌ناپذیری اقتصاد. اقتصاد عراق باعث شده است تا بر خلاف عوامل همگرایی بالای موجود بین عراق و محور مقاومت، یک واگرایی بین عراق و محور مقاومت ایجاد شود. مشکلات اقتصادی در عراق، این کشور را مجبور کرده است تا در تصمیم‌گیری‌های خود ملاحظات اقتصادی را هم وارد کند و عملاً به سمت طرف آمریکایی متمایل شود. بر خلاف امنیت، عراق در اقتصاد ساختاری وابسته دارد و این ساختار بیمار در شرایطی قرار دارد که در کوتاه‌مدت امکان جدایی از آمریکا را ندارد (نک. خانی، ۱۳۹۹). طرحی که آمریکایی‌ها برای حفظ این وابستگی به دنبال آن هستند این است که از طریق وام‌های مشروط بین‌المللی، همچون وام‌های صندوق بین‌المللی پول و یا بانک جهانی، عراق را وادار به انجام اصلاحاتی در ساختار سیاسی و اقتصادی خود کنند. خروجی این اصلاحات وابستگی بیشتر عراق به غرب و دوری آن از محور مقاومت است؛ به‌عنوان مثال یکی از اصلی‌ترین شروط وام‌های بین‌المللی برای عراق، ادغام و حذف نیروهای بسیج مردمی است (عموی، ۱۳۹۹).

یکی از مهم‌ترین وظایف دیگر اعضای محور مقاومت در قبال وضعیت اقتصادی عراق این است که باید برنامه‌هایی داشته باشند که خروجی آن برنامه‌ها این باشد که عراق بتواند نقاط راهبردی و کلیدی امنیت اقتصادی و تنگناهای اقتصادی خود را از طریق همکاری با محور مقاومت رفع کند. یعنی کشورهای عضو محور مقاومت باید به

سطحی از همگرایی اقتصادی برسند که بتوانند در تعاملات طرفینی خود، بخش عمده نیازهای اساسی اقتصاد را تأمین کنند. لازمه دستیابی به این سطح از همگرایی، به حداقل رساندن تعارضات اعضاء و رفع موانع است. این همگرایی می‌تواند با پیمان‌های فرامنطقه‌ای کشورهای غیرمتخاصم نیز تکمیل شود (خانی، ۱۳۹۹). تا زمانی که عراق نتواند نقطه ضعف اقتصادی خود را رفع کند و از سیطره اقتصادی آمریکا و غرب خارج شود، این نقطه ضعف در همراهی این کشور با محور مقاومت وجود خواهد داشت و چه‌بسا طرف آمریکایی و اسرائیلی با استفاده از این نقطه ضعف عراق را در همراهی با محور مقاومت دچار مشکل سازد (گوهری‌مقدم، ۱۳۹۹). این تحلیل مستند به نظر کارشناسان است که از همگرایی اقتصادی به‌عنوان پیش‌ران و از وابستگی عراق به آمریکا به‌عنوان پس‌ران اقتصادی یاد کرده‌اند (نک. جدول شماره ۷).

جدول شماره (۸): مقوله‌های اقتصادی حضور عراق در محور مقاومت

مقوله	مفهوم	کلید واژه
- لزوم افزایش همگرایی اقتصادی میان عراق و دیگر اعضای محور مقاومت.	- وابستگی اقتصادی عراق به آمریکا باعث جدایی این کشور از محور مقاومت است.	- آمریکا خواهان وابسته کردن و گره‌زدن اقتصاد عراق به اقتصاد آمریکا است (عمویی، ۱۳۹۹). EP2
- وابستگی بانکی عراق به آمریکا یک پس‌ران برای حضور این کشور در محور مقاومت است.	- آمریکا اقتصاد عراق را به گروگان گرفته است. - عراق برای فعال شدن اقتصاد خود نیازمند کمک است.	- رفع موانع تجاری از جمله اقداماتی است که در جهت ایجاد همگرایی میان اعضای محور مقاومت باید صورت گیرد. EP1
		- ساختار اقتصادی عراق در کوتاه‌مدت به آمریکا وابسته خواهد بود (خانی، ۱۳۹۹). EP2
		- مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف عراق برای همراهی با محور مقاومت است (گوهری‌مقدم، ۱۳۹۹). EP2

مقوله	مفهوم	کلید واژه
		- پول نفت عراق از طریق بانک‌های آمریکایی به دست این کشور می‌رسد و این موضوع باعث وابستگی عراق به آمریکا می‌شود (زارعی، ۱۳۹۹). EP2

(استخراج شده از مصاحبه‌ها)

نتیجه‌گیری

تحلیل روابط قدرت در منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی بسیار مهم است. تبیین نظم و ساختارهای سیاسی - امنیتی در این منطقه با کمک نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان می‌تواند کارگشا باشد. در این مجموعه، محور مقاومت به عنوان یکی از بازیگران اصلی و تأثیرگذار محسوب می‌شود. در این محور، جایگاه عراق، برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت و اولویت است. این کشور دارای ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی مهمی در همراهی با محور مقاومت است. عراق اشتراکات هویتی متعددی با ایران، به عنوان بازیگر محوری محور مقاومت دارد. از جمله مهم‌ترین این اشتراکات همگرایی مذهبی جامعه شیعه در دو کشور است. ما در این پژوهش به پنج متغیر اصلی در عراق اشاره کردیم. این متغیرها در همراهی یا عدم همراهی عراق با محور مقاومت نقش مهمی ایفا می‌کنند. این متغیرها عبارت‌اند از: راهبردی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی. هر کدام از این متغیرها می‌تواند به عنوان یک پیش‌ران یا پس‌ران در نقش‌آفرینی عراق در محور مقاومت عمل کند. اگر این متغیرها در همراهی با محور مقاومت تعریف شوند، می‌توانند نقش پیش‌ران برای حضور جدی‌تر و قدرتمندتر عراق و در محور مقاومت بازی کنند و اگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، که متأسفانه به دلیل اشغالگری بلندمدت خود در عراق بر برخی از گلوگاه‌های این کشور تسلط پیدا کرده است، بر این متغیرها تسلط پیدا کنند، باعث جدایی و یا کم‌اثری عراق در محور مقاومت خواهد شد. الگوهای قوی دوستی در میان کشورهای محور مقاومت با حضور عراق توانسته است ظرفیت عظیمی برای

همگرایی‌های منطقه‌ای بین اعضاء ایجاد کند. در نتیجه شرایط برای نقش‌آفرینی بیشتر عراق با همه اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و هویتی‌اش با دیگر اعضای محور مقاومت، فراهم است. در عین حال این کشور در محیط داخلی خود به شدت درگیر مسائل و بحران‌های مختلفی از جمله فساد اداری، بیکاری فراگیر، بودجه تماماً متکی به نفت، عدم وجود زیرساخت‌ها برای توسعه و نارضایتی گسترده مردمی است. این مسائل باید مدیریت شده و برای حل آنها گام‌های جدی برداشته شود. ارتقاء و بهبود این متغیرهای کلیدی که به شدت محیط داخلی عراق را تحت تأثیر قرار داده است، به همگرایی هر چه بیشتر عراق با دیگر اعضای محور مقاومت و نیز به نقش‌آفرینی بهتر این کشور در محور مقاومت کمک خواهد کرد. در غیراین صورت ممکن است آسیب‌های جدی به جایگاه عراق در محور مقاومت وارد شود. به‌ویژه اینکه محور آمریکایی - صهیونیستی که الگوهای دشمنی جدی با کشورهای عضو محور مقاومت دارد، در تلاش است تا با تأثیرگذاری بر متغیرهای مهم محیط داخلی عراق، آنها را به پس‌ران‌هایی در مسیر حرکت عراق در محور مقاومت و عامل واگرایی با اعضای دیگر این محور، تبدیل کند.

یادداشت‌ها

1. Regional security complex theory

کتابنامه

- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴). «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۴(۲۰)، صص. ۱-۲۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). «منطقه‌گرایی نوین و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد، ۲۷(۲)، صص. ۲۹۰-۲۷۹.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام*. تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- افتخاری، اصغر و جانی‌پور، محمد (۱۳۹۲). «منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی، مطالعه موردی:

- تحلیل وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۳(۹)، صص. ۲۳-۴۶.
- بوزان، باری (۱۳۹۰). *مردم، دولت‌ها و هراس*. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۹۹). *مصاحبه*. تهران: دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷)، «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، *دانش سیاسی*. ۵(۱)، صص. ۱۹۲-۱۵۹.
- خانی، محمدحسن (۱۳۹۹). *مصاحبه*. تهران: دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- خرمشاد، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۷). *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- دولتیار، مصطفی (۱۳۹۹). *مصاحبه*. تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- زارعی، سعدالله (۱۳۹۹). *مصاحبه*. تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- زبردست، میلاد (۱۳۹۷). «سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در قبال محور مقاومت»، *نشریه علمی پژوهش ملل*. ۳(۳۵)، صص. ۱۲۴-۱۰۵.
- ساداتی‌نژاد، سیدمحمد (۱۳۹۹). *مصاحبه*. ژنوب: نمایندگی جمهوری اسلامی نزد سازمان‌های بین‌المللی.
- سازمند، بهاره و جوکار، مهدی (۱۳۹۵). «مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پوشش‌ها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس»، *نشریه علمی ژئوپلیتیک*. ۱۲(۲)، صص. ۱۷۷-۱۵۱.
- عمویی، ابوالفضل (۱۳۹۹). *مصاحبه*. تهران: کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). «تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب»، *نشریه علمی پانزده خرداد*. ۵۱(۵)، صص. ۱۷۶-۱۴۳.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۴). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: سمت.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶). «نقش ج.ا.ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، *نشریه علمی پژوهش ملل*. ۲(۲۰)، صص. ۱-۱۴.
- کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۹). *مصاحبه*. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

گریفتیس، مارتین و اوکلاگان، تری (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی روابط بین‌الملل. (محمد امجد، مترجم). تهران: میزان.
گوهری مقدم، ابودر (۱۳۹۹). مصاحبه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۹۳)، رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: سمت.
ولایتی، علی‌اکبر و سعیدمحمدی، رضا (۱۳۸۹). «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، دانش سیاسی. ۶(۱)، صص. ۱۷۹-۱۵۱.

Buzan Barry (1999). *People, States & Fear: An Agenda for International Security Studies in the post-Cold War Era*. London: European Consortium for Political Research (ecpr)
Buzan, Barry & Waever, Ole (2009). *Region and powers: The Structure of International Security*. Cambridge University Press.
Grant, R. M. (2018). *Contemporary strategy analysis* (10th ed.). West Sussex: Wiley and Sons Ltd.
Hough Peter (2018). *Understanding Global Security*. 4th Edition, NY: Routledge.
The New Strategic Dialogue: Shaping the Iraqi-U.S. Relationship. by Anthony H. Cordesman, <https://www.csis.org/>, July 14, 2020.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی